■ شنبه ۷ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۸ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۸ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق



۲

حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت هفته بسیج تشریح کردند

نقشه راه تحول و تولد جدید بسیج

بسیج؛ بازوی توانمند ملت در سازندگی و خدمت‌رسانی

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
شنبه ۷ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۸



پایان سهمیه‌های غیرواقعی آرد؛

۴.۵ میلیون نفر از چرخه توزیع حذف شدند

اصلاح نظام توزیع آرد روستایی و عشایری، یکی از بزرگ‌ترین اقدامات دولت برای مقابله با هدررفت منابع یارانه‌ای را رقم زده است. با شناسایی دریافت‌کنندگان غیرواقعی، رفع هم‌پوشانی سهمیه‌ها و تطبیق اطلاعات خانوارها، حدود ۴.۵ میلیون نفر از فهرست دریافت آرد خام حذف شده‌اند که صرفه‌جویی سالانه ۲۴.۴ هزار میلیارد تومانی برای آن پیش‌بینی شده است.

توزیع آرد خام در مناطق روستایی و عشایری همواره یکی از ابزارهای تأمین نان خانوارهایی بوده که به نانوایی دسترسی کافی ندارند و بخشی از نان مصرفی خود را در خانه تهیه می‌کنند. با این حال، ضعف در شناسایی دریافت‌کنندگان و نبود ارتباط دقیق میان سامانه‌های اطلاعاتی، زمینه تخصیص سهمیه‌های غیرمتناسب با نیاز واقعی را فراهم کرده بود. در نظام پیشین، آرد خام برای یک میلیون و ۷۹۶ هزار و ۲۴۷ خانوار با جمعیتی بیش از ۷.۳ میلیون نفر توزیع می‌شد. در مرحله ثبت‌نام و خوداظهاری طرح جدید نیز اطلاعات حدود یک میلیون و ۸۰۷ هزار خانوار، معادل ۸.۲ میلیون نفر ثبت شد.

اما بررسی اطلاعات ثبت‌شده و تطبیق آنها با پایگاه رفاه ایرانیان، سامانه‌های هویتی و الگوی خرید نان نشان داد بخش قابل توجهی از فهرست اولیه نیازمند اصلاح است. درنتیجه این پالایش، اطلاعات ۷۱۹ هزار و ۶۴۶ خانوار، معادل ۴ میلیون و ۴۹۷ هزار و ۵۵۹ نفر، از فهرست مشمولان حذف شد و جمعیت باقی‌مانده به حدود ۳.۷ میلیون نفر در یک میلیون و ۸۷ هزار خانوار رسید.

این تغییر گسترده نشان می‌دهد نظام توزیع آرد خام تا چه اندازه به بازنگری در اطلاعات دریافت‌کنندگان نیاز داشته است. البته حذف یک فرد از فهرست لزوماً به معنای اثبات تخلف او نیست؛ بخشی از اصلاحات به حذف ثبت‌نام‌های تکراری، اطلاعات نادرست و رفع هم‌پوشانی در شیوه‌های دریافت یارانه مربوط می‌شود. اهمیت این اقدام در آن است که تخصیص آرد به جای اتکا به فهرست‌های قدیمی، بر مبنای اطلاعات به‌روز خانوارها و احراز شرایط دریافت انجام شود.

پایان دریافت هم‌زمان آرد و نان یارانه‌ای

یکی از مهم‌ترین مشکلات نظام قبلی، امکان دریافت هم‌زمان آرد خام و خرید نان یارانه‌ای از شبکه نانوایی‌ها بود؛ موضوعی که در برخی موارد به بهره‌مندی مضاعف از منابع حمایتی منجر می‌شد. در جریان بررسی اطلاعات، حدود ۱.۴ میلیون نفر شناسایی شدند که هم در فهرست دریافت آرد خام حضور داشتند و هم سابقه خرید نان یارانه‌ای داشتند.

برای اصلاح این وضعیت، سازوکاری در نظر گرفته شده که براساس آن، اگر فرد ثبت‌نام‌شده از ابتدای سال ۱۴۰۵ دست‌کم در دو ماه، به میزان سرانه استانی از نانوایی‌ها نان خریداری کرده باشد، تحویل آرد خام به او متوقف شود. در این مرحله، حدود یک میلیون و ۵۸۲ هزار نفر مشمول ضابطه جلوگیری از دریافت هم‌زمان آرد و نان شناسایی شده‌اند. منطق اقتصادی این تصمیم روشن است؛ منابع یارانه‌ای باید متناسب با نیاز واقعی خانوار تخصیص پیدا کند و دریافت حمایت از دو مسیر موازی، بدون وجود ضابطه مشخص، می‌تواند به توزیع نامتوازن منابع منجر شود. با اجرای این سیاست، خانوارهایی که نان مصرفی خود را از نانوایی‌ها تهیه می‌کنند، از مسیر خرید نان یارانه‌ای حمایت می‌شوند و آرد خام برای خانوارهایی اختصاص می‌یابد که به دلیل شرایط زندگی یا محدودیت دسترسی، به این شیوه تأمین نان نیاز دارند. در کنار آن، مقرر شده توزیع آرد عشایری در شهرستان‌های فاقد جمعیت عشایری و توزیع آرد روستایی و عشایری در روستاهای دارای نانوایی متوقف شود. این تصمیم نیز با هدف جلوگیری از سهمیه‌دهی بدون نیازسنجی و ایجاد تناسب میان جمعیت واقعی و میزان آرد تخصیصی دنبال می‌شود. با این حال، اجرای دقیق این ضوابط مستلزم آن است که وجود نانوایی در یک روستا با دسترسی واقعی و پایدار خانوارها به نان یکسان فرض نشود؛ زیرا هدف نهایی اصلاحات، حذف سهمیه غیرضروری است، نه کاهش دسترسی مردم به غذای مورد نیاز.

صرفه‌جویی ۲۴.۴ همتی با اصلاح توزیع آرد

ابعاد اقتصادی اصلاح نظام توزیع آرد خام روستایی و عشایری قابل توجه است. در شیوه پیشین، میزان آرد تخصیصی ماهانه بیش از ۵۸ هزار و ۵۵۳ تن بود. پس از پالایش اطلاعات و اعمال روش جدید، مجموع سهمیه ماهانه افراد تأییدشده و پرونده‌های در دست بررسی به حدود ۳۱ هزار و ۹۸۰ تن رسیده است. به این ترتیب، میزان آرد تخصیصی ماهانه حدود ۲۶ هزار و ۵۷۳ تن کاهش یافته که معادل نزدیک به ۳۱۹ هزار تن در مقیاس سالانه است. صرفه‌جویی ریالی سالانه حاصل از این تغییر نیز ۲۴.۴ هزار میلیارد تومان برآورد شده است؛ رقمی که نشان می‌دهد اصلاح بانک‌های اطلاعاتی و جلوگیری از تخصیص غیرضروری، بدون آنکه الزاماً قیمت نان خانوار افزایش پیدا کند، ظرفیت قابل توجهی برای کاهش هزینه‌های یارانه‌ای دارد. این موضوع از منظر سیاست‌گذاری اهمیت ویژه‌ای دارد. برخلاف روش‌هایی که صرفاً بر افزایش قیمت یا کاهش عمومی حمایت متمرکز می‌شوند، اصلاح اطلاعات دریافت‌کنندگان می‌تواند بخش مهمی از اتلاف منابع را در همان مرحله تخصیص هدف قرار دهد. به بیان دیگر، کاهش سهمیه‌های غیرضروری این امکان را فراهم می‌کند که منابع حمایتی به‌جای توزیع براساس اطلاعات ناقص، به سمت خانوارهای واجد شرایط هدایت شوند. البته رقم ۲۴.۴ همت، برآورد صرفه‌جویی سالانه است و میزان تحقق نهایی آن باید بر مبنای عملکرد واقعی تخصیص و توزیع آرد سنجیده شود.

پایان توزیع کاغذی؛ آرد یارانه‌ای قابل ردیابی می‌شود

اصلاح زنجیره آرد روستایی فقط به حذف اطلاعات غیرواقعی محدود نشده و تغییر شیوه توزیع نیز بخش مهمی از این برنامه را تشکیل می‌دهد. در روش پیشین، بخش قابل توجهی از توزیع آرد بر پایه اسناد فیزیکی و کاغذی انجام می‌شد. این شیوه، امکان تطبیق دقیق اطلاعات دریافت‌کنندگان با سهمیه‌های تحویلی را محدود می‌کرد و نظارت بر مسیر انتقال آرد از کارخانه تا خانوار را دشوار می‌ساخت. در سازوکار جدید، ثبت اطلاعات و تحویل آرد به‌تدریج الکترونیکی می‌شود. شرکت‌های تعاونی روستایی و عشایری آرد را از کارخانه دریافت می‌کنند و مراحل تحویل آن به متقاضیان در سامانه ثبت خواهد شد. همچنین احراز هویت با استفاده از شماره تلفن همراه و کد ملی انجام می‌شود. هنگام ثبت‌نام و تحویل آرد نیز کد تأیید پیامکی برای متقاضی ارسال خواهد شد تا امکان ثبت تحویل بدون احراز هویت کاهش پیدا کند. اتصال اطلاعات خانوار به پایگاه رفاه ایرانیان و تطبیق متقاضیان عشایری با بانک اطلاعات سازمان امور عشایر نیز از دیگر اقداماتی است که قرار است تخصیص سهمیه را به اطلاعات معتبر و قابل بررسی متصل کند. این تغییر، زمینه نظارت دقیق‌تر بر عملکرد شبکه توزیع و شناسایی موارد احتمالی انحراف را فراهم می‌کند. همچنین امکان بررسی اختلاف میان آرد تحویل گرفته‌شده از کارخانه و آرد توزیع‌شده میان خانوارها را افزایش می‌دهد.



رهبر انقلاب:

سازمان بسیج باید تحوّل و تولّدی جدید را تجربه نماید

گزارش

حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت هفته بسیج فرمودند: به‌موازات بعثت ملّت بزرگ ایران در دوره دفاع مقدّس سوّم که به‌نوعی تکثیر روحیّه بسیجی در سراسر کشور بشمار می‌رود، سازمان بسیج نیز باید تحوّل و تولّدی جدید را تجربه نماید.

متن پیام به شرح ذیل است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

هفته بسیج موقعیّت مناسبی برای نگاهی جدید به پدیده شگفت‌انگیز و ارزشمند بسیج است. نهادی که به ابتکار حضرت امام خمینی اعلی‌الله مقامه‌الشّریف تشکیل شد تا به‌تدریج و در طیّ دوره‌ای تکاملی، ایرانیان پُرانگیزه، امیدوار، فداکار، و خواهان عزّت اسلام و ایران و سرسپردگان مکتب حسین صلوات‌الله و سلامه علیه را از نسل‌های مختلف گِرد هم آوَرد و هسته‌ای سخت از طرفداران حق و عدالت باشد. بسیج ابتدائاً خود را در دفاع هشت ساله نشان داد؛ آن‌گاه که با حضوری کارساز در عرصه‌های نبرد نظامی، پشتوانه اصلی و محوری جنگ شد. در طول آن نبرد مقدّس، بسیجیان از نوجوانان تا کهن‌سالان از فضای روحانی خاکریزها و سنگرها بهره‌های معنوی بی‌شماری می‌بردند و به‌واسطه ایشان فضای شهرها و روستاهای کشور عطرآگین می‌شد. بدین‌سان آنچه در اذهان عموم از بسیج و بسیجیان نقش می‌بست، تصویری بود از ایمان، تعهّد، صفا، اخلاص، بصیرت، شجاعت، مجاهدت، عمل به تکلیف، و از خودگذشتگی و فداکاری برای دیگران؛ مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی که در آثار کهن این سرزمین، پهلوانان نامدار اخلاق‌مدار با بعضی از آن توصیف شده بودند. اگر تا به‌حال بعضی از شخصیّت‌های داستان‌های افسانه‌گون، نماد پاره‌ای از این خصوصیّات بودند، اینک به برکت انقلاب اسلامی، این شخصیّت‌های حقیقی در داستانِ واقعی بودند که در لباس بسیج حماسه می‌آفریدند و گذشت‌ها و فداکاری‌های فراوان بسیاری را به نمایش می‌گذاشتند.

گرچه دوران دفاع مقدّس پس از هشت سال به پایان افتخارآمیز خود رسید، ولی به‌واسطه روحیّه بسیجی، اثری عمیق از خود بر جهات مختلف نظامات رسمی و به‌خصوص غیررسمی کشور به جا گذاشت. این روحیّه، ثروتی عظیم بود که دفاع مقدّس و هدایت‌های حضرت امام خمینی اعلی‌الله مقامه‌الشّریف و پشتیبانی توده‌های انبوه مردم، آن را به عمل آوَرد. اینک در توضیح بیشتر برخی از وجوه مقصود از سخن، چند نکته معروض می‌گردد:

سازمان بسیج باید تحوّل و تولّدی جدید را تجربه نماید

اوّلاً بدون تردید به‌موازات بعثت ملّت بزرگ ایران در دوره دفاع مقدّس سوّم که به‌نوعی تکثیر روحیّه بسیجی در سراسر کشور بشمار می‌رود، سازمان بسیج نیز باید تحوّل و تولّدی جدید را تجربه نماید. این سازمان باید با استفاده از ملّت بعثت‌یافته، نسخه‌های پیشرفته‌تر و جدیدتری از بسیج پیشین را تنظیم و مدیریّت کند. لذا از این پس باید با گام‌های بلند، محکم و حساب شده به‌سوی تحقّق شعار «هر ایرانی، یک بسیجی» راه پیمود. اکنون بسیاری از ارتشیان، سپاهیان، انتظامیان، دولتیان، مجلسیان، و امثال ایشان همچون انبوهی از مردم از آنجا که دل در گرو مکتب و مرام بسیج دارند، خود را یکی از بسیجیان می‌دانند؛ همچنان که یاران پرچم به دستِ شبها و روزهای میادین و خیابان‌ها که بعثت ملّت را معنایی ملموس و مشهودتر بخشیدند و انبوه جان‌فدایان عملاً این چنین هستند. بسیارند کسانی که عضو مصطلح بسیج نبوده ولی تفکّر و مکتب بسیج را می‌ستایند و احیاناً مرام خود را با آن وفق می‌دهند. سازمان بسیج باید به بهترین شکل از این نعمت خداداد استفاده کند.

ثانیاً غیر از ظرفیّت فراهم‌آمده مذکور، سازمان رسمی بسیج همواره باید برای گسترش روحیّه بسیجی در جای‌جای کشور تلاش نماید. روحیّه بسیجی که به بعضی از ویژگی‌های آن اشاره شد با رفتار خودِ بسیجیان قابل تکثیر در اجزاء جامعه است. درپیش گرفتن حُسن خُلق، عطوفت و مهربانی، احترام به مردم، رعایت جهات مختلف تقوای فردی و جمعی، و مراعات آنچه از دوران‌های سابق، بسیاری از بسیجیان با آن شناخته می‌شدند از قبیل تواضع و فروتنی، ایثار، عدم تمایل به دیده شدن، دوری از تجمّلات و تشریفات، و امثال این گونه رفتارهای مطبوع، ایشان را به چشم و چراغ ملّت در هر محلّه و شهر و روستایی تبدیل کرده و همگان را به تأسّی از این مرام و مسلک فرا می‌خواند.

بسیجیان از هیچ فرصتی برای ضربه به دشمنان چشم‌پوشی نمی‌کنند

ثالثاً سرسپردگی اصلی بسیجیان به مکتب حسین صلوات‌الله و سلامه علیه که قرائت صحیح از اسلام ناب محمّدی صلّی‌الله علیه و آله و سلّم است، می‌باشد. هر وصل و فصل و هر تولّا و تبرّای ایشان بر این اساس شکل می‌گیرد. دو آموزه قرآنی حیات‌بخش: «رحماء بینهم» و «اشدّاء علی الکفّار» چراغ راه قلب بسیجیان است. از این‌رو ایشان هرگونه مهربانی و فداکاری نسبت به مردم و نظام و انقلاب به‌عمل می‌آورند و از هیچ فرصتی برای ضربه به دشمنان اسلام و نظام اسلامی چشم‌پوشی نمی‌نمایند. پاسداشت انسجام اجتماعی و اتّحاد مقدّس ملّت ایران که در این ایّام ارزش والای آن و تأثیر شگرف آن در امتداد پیروزی‌های رزمندگان شجاع و فداکار اسلام در عرصه‌های نظامی بر دستگاه محاسباتی دشمن در هر دو سوی آوردگاه حق و باطل امری مشهود است، باید از صفات مشترک همه بسیجیان باشد.

بسیجِ فرصت‌آفرین و گره‌گشا

رابعاً بسیج به‌مدد بسیجیان خود در طول حیات خود تا به‌حال کاستی‌های بسیاری از نهادهای رسمی و غیررسمی را جبران کرده است. حال با توجّه به رشد چشمگیر بسیج در دوره بعثت مردم ایران، ظرفیّت‌های بالفعل و همه کسانی که قلباً بسیجی محسوب می‌شوند از قبیل اصحاب میادین و خیابان‌ها و جان‌فدایان و دیگرانی که در مسیر تعالی فردی و اجتماعی، هم‌عهد با آنان هستند؛ کسانی که دل‌های آنان پایگاه‌های واقعی بسیج بشمار می‌رود، قدرت عظیمی را تشکیل می‌دهد که باید از جزء جزء آن در مسیر حلّ مشکلات کشور و دستیابی به فرصت‌های جدید و بدیع بهره برد و این گونه به شعار هر ایرانی یک بسیجی، غنای بیشتری بخشید.

امید است با توجّه به این نکات، بسیج ایرانیان نمونه‌ای متعالی از همیاری و نِصابی عالی از تحقّق مفهوم امّت و ملّت را در تاریخ این کشور ثبت نماید؛ به‌طوری که مبدأ ترقیّات و پیشرفت‌های چشمگیر آینده بشمار آید.

از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که شهدای عزیز بسیج را به رضوان الهی و هم‌جواری با اهل بیت صلوات‌الله و سلامه علیهم اجمعین متنعّم، و به جانبازان عزیزشان صبر و عافیت عنایت فرموده و همه بسیجیان ایران و جبهه مقاومت که خود یکی از کوچک‌ترین آنانم را در زمره سربازان سَرورمان عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشّریف و مشمول دعای خیر و فتح و برکت آن حضرت قرار دهند.

سیّدمجتبی حسینی خامنه‌ای
۱۴۰۵/آذر/۵

بسیج ابتدائاً خود را در دفاع هشت ساله نشان داد؛ آن‌گاه که با حضوری کارساز در عرصه‌های نبرد نظامی، پشتوانه اصلی و محوری جنگ شد. در طول آن نبرد مقدّس، بسیجیان از نوجوانان تا کهن‌سالان از فضای روحانی خاکریزها و سنگرها بهره‌های معنوی بی‌شماری می‌بردند و به‌واسطه ایشان فضای شهرها و روستاهای کشور عطرآگین می‌شد

نسخه دولت و مجلس برای نجات قدرت خرید چیست؟

به گفته رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس ۷۵ درصد کارمندان با حقوق زیر ۳۵ میلیون زندگی خود را می‌گذرانند اما سؤال اینجاست، نسخه مجلس برای نجات قدرت خرید مردم چیست وآیا دولت دست به ترمیم حقوق‌ها می‌زند؟ موضوع ناکافی بودن حقوق کارکنان دولت در برابر افزایش هزینه‌های زندگی با توجه به تحریم و شرایط جنگی، با واکنش‌هایی همراه و ضرورت ترمیم حقوق‌ها به یکی از مطالبات مطرح‌شده در مجلس تبدیل شده است.

هم‌زمان، نمایندگان مجلس با اشاره به افزایش هزینه‌های معیشتی، تورم و فشارهای اقتصادی ناشی از شرایط کشور، خواستار بازنگری در میزان حقوق کارکنان و اتخاذ تدابیری برای جبران کاهش قدرت خرید آنان شده‌اند.

این اظهارات را می‌توان نشانه پررنگ‌تر شدن یک مسئله ساختاری در اقتصاد کشور دانست: فاصله فزاینده میان درآمدهای ثابت و هزینه‌های متغیر زندگی.



غلامرضا تاجگردون چندی پیش با بیان اینکه حدود ۷۵ درصد کارکنان دولت حقوق و مزایایی کمتر از ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان دریافت می‌کنند، گفته بود: این میزان دریافتی با شاخص‌های زندگی مطابقت ندارد و با توجه به کاهش منابع دولت و افزایش نرخ تورم، تلاش می‌کنیم از طریق تقویت کالابرگ یا پرداخت مستقیم، قدرت خرید مردم را تا حد امکان افزایش دهیم.

رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با اشاره به برگزاری جلسات مستمر میان مجلس و دولت برای بررسی وضعیت حقوق و مزایای کارکنان، تاکید کرد: دولت باید بررسی‌های لازم را انجام دهد و اعداد و ارقام دقیق را استخراج کند، اما باید تأکید کنم که فاصله زیادی میان درخواست‌های ما و مقدورات و امکانات دولت در زمینه میزان افزایش حقوق و مزایا یا حمایت‌های معیشتی وجود دارد و دولت نیز محدودیت‌ها و معذوریت‌های خود را دارد.

حقوق پرداختی به کارکنان دولت پاسخگوی نیازهای معیشتی آنان نیست



در این باره فتح‌الله توسلی، در گفت‌وگو با میزان، با انتقاد از پایین بودن حقوق کارکنان نسبت به هزینه‌های زندگی اظهار کرد: در شرایطی که تورم در بسیاری از بخش‌ها به حدود ۱۰۰ درصد و حتی بالاتر رسیده است، حقوق پرداختی به کارکنان دولت و بخش‌های مختلف پاسخگوی نیازهای معیشتی آنان نیست و باید برای ترمیم حقوق‌ها اقدام جدی صورت گیرد.

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس، با اشاره به اظهارات رئیس کمیسیون برنامه و بودجه درباره دریافتی ۷۵ درصد کارکنان دولت افزود: با توجه به شرایط اقتصادی کشور و فشارهای ناشی از جنگ، درآمد بسیاری از کارکنان تناسبی با هزینه‌های زندگی ندارد و ادامه این وضعیت قابل قبول نیست.

وی با اشاره به شرایط معیشتی کادر درمان تصریح کرد: بسیاری از پرستاران مجبورند سه یا چهار شیفت کاری انجام دهند، اما همچنان نمی‌توانند هزینه‌های زندگی خود را به‌درستی تأمین کنند.

توسلی در ادامه از دولت و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه خواست موضوع ترمیم حقوق کارکنان را جدی دنبال کنند و تأکید کرد: در صورت نیاز به مصوبه جدید مجلس، نمایندگان آمادگی همکاری برای اصلاح حقوق‌ها متناسب با شرایط اقتصادی و تورم را دارند.

در چنین شرایطی، حتی افزایش اسمی حقوق نیز لزوماً به معنای بهبود وضعیت معیشتی نیست. اگر رشد دستمزدها از افزایش قیمت کالاها و خدمات عقب بماند، قدرت خرید کارکنان همچنان کاهش خواهد یافت.

از این منظر، مسئله اصلی سیاست‌گذار باید نه صرفاً افزایش عدد حقوق، بلکه حفظ سطح واقعی درآمد و قدرت خرید خانوارها باشد.



ضرورت افزایش حقوق با توجه به واقعیت‌های اقتصادی و هزینه‌ها



فاطمه مقصودی، نیز با تأکید بر ناکافی بودن حقوق کارمندان دولت در مقایسه با هزینه‌های زندگی به میزان گفت: با توجه به نرخ تورم موجود، حقوق فعلی پاسخگوی هزینه‌های زندگی نیست و باید برای افزایش حقوق کارمندان تصمیم جدی اتخاذ شود.

به گفته عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، لازم است میزان افزایش حقوق با توجه به واقعیت‌های اقتصادی و هزینه‌های زندگی مشخص شود و اقدامات لازم برای اجرای آن صورت گیرد؛ چراکه افزایش هزینه‌ها فشار زیادی بر مردم وارد کرده است. مقصودی با اشاره به حضور مستقیم نمایندگان در میان مردم اظهار کرد: نمایندگان مجلس فشارهای اقتصادی را از نزدیک احساس می‌کنند و شاهد نگرانی مردم نسبت به شرایط اقتصادی هستند. وی همچنین با اشاره به شرایط کشور در دوران جنگ و محاصره اقتصادی در پایان خاطرنشان کرد: افزایش قیمت‌ها، به‌ویژه در ماه‌های اخیر، فشار مضاعفی بر خانوارها وارد کرده و وضعیت اقتصادی مردم را تحت تأثیر قرار داده است. سیاست ترمیم حقوق زمانی می‌تواند به بهبود واقعی معیشت منجر شود که سه مؤلفه به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد: افزایش متناسب درآمد، تأمین منابع مالی پایدار و مهار تورم.

در غیر این صورت، احتمال دارد افزایش حقوق به یک چرخه تکراری تبدیل شود؛ چرخه‌ای که در آن دستمزدها افزایش می‌یابند، هزینه‌های دولت بالا می‌رود، فشارهای تورمی تداوم پیدا می‌کند و قدرت خرید کارکنان بار دیگر کاهش می‌یابد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
■ شنبه ۷ آذر ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۸

گزارش





چرا در شرایط جنگی خودروهای لوکس وارد می‌شود؟

رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین با انتقاد از بی‌نظمی در تخصیص و نظارت بر منابع ارزی کشور در شرایط جنگی گفت: با وجود تأمین روزانه حدود ۱۹۷ میلیون دلار ارز برای واردات و درآمدهای نفتی و مالیاتی مناسب، نحوه مصرف این منابع نیازمند بازنگری است.

در شرایطی که اقتصاد ایران هم‌زمان با محدودیت‌های تحریمی، پیامدهای جنگ و ضرورت تأمین مستمر کالاهای اساسی و نیازهای حیاتی مردم روبه‌روست، نحوه تخصیص و نظارت بر منابع ارزی به یکی از مهم‌ترین مسائل مدیریت اقتصادی تبدیل شده است؛ موضوعی که علاوه بر میزان درآمدهای ارزی، به اولویت‌بندی واردات، جلوگیری از انحراف منابع و اطمینان از رسیدن ارز تخصیصی به مصرف‌کننده نهایی وابسته است.

در همین رابطه عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده است که روزانه به طور میانگین ۱۹۷ تا ۲۰۰ میلیون دلار برای پشتیبانی از تولید و تجارت تأمین ارز صورت می‌گیرد که فاصله چندانی با تأمین ارز سال گذشته نداشته و حدود ۱۰ تا ۱۰ درصد تخصیص ارز کاهش ثبت کرده است.

وی مجموع تأمین ارز کشور از ابتدای امسال تا اواسط آبان ماه را حدود ۳۱ میلیارد دلار اعلام کرد که نسبت به مدت مشابه سال گذشته تنها حدود ۱۳ درصد کاهش داشته است.

البته باید توجه داشت که کاهش تخصیص ارز متوجه کالاهای ضروری کشور نبوده به طوری که با وجود فشارهای اقتصادی و شرایط جنگی، در حوزه بهداشت ۲۵ درصد افزایش تأمین ارز داشته‌ایم و در بخش جهاد کشاورزی نیز یک درصد افزایش ثبت شده است. کاهش اصلی ارز مربوط به بخش صنعت بوده که حدود ۲۸ درصد کاهش داشته و عمده این کاهش نیز به کالاهای غیرضروری و لوکس اختصاص داشته است و به بخش مواد اولیه و کالاهای اساسی ارتباط ندارد.

مجیدرضا حریری رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین، در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایرنا با اشاره به تأمین روزانه حدود ۱۹۷ میلیون دلار ارز برای واردات کشور در شرایط جنگی و تحریم معتقد است: با توجه به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و همچنین درآمدهای مالیاتی، دولت از نظر تأمین منابع ارزی نباید با مشکل جدی مواجه باشد، اما آنچه جای نقد دارد، نوعی بی‌نظمی در حوزه واردات و نحوه تخصیص و نظارت بر منابع ارزی است.

وی با بیان اینکه درآمدهای نفتی و مالیاتی از منابع اصلی اداره کشور محسوب می‌شوند، گفت: در بخش نفت، پیش‌بینی دولت فروش روزانه حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت با قیمت ۵۴ دلار بود، اما بخش قابل توجهی از نفت کشور، حدود ۸۰ میلیون بشکه، با قیمت‌های بالاتر از ۱۱۰ دلار فروخته شده است.

رئیس اتاق مشترک ایران و چین ادامه داد: بنابراین، از نظر درآمدهای ارزی دولت نباید با مشکل خاصی مواجه باشد که البته باید توجه داش کشور با خسارت‌های ناشی از جنگ روبه‌روست.

این فعال اقتصادی ادامه داد: در بخش درآمدهای مالیاتی نیز وزیر امور اقتصادی و دارایی اعلام کرده که میزان وصول مالیات نسبت به سال گذشته چند برابر افزایش داشته و حتی رکوردشکنی شده است.

اولویت‌بندی واردات در شرایط جنگی ضروری است

حریری با تأکید بر ضرورت مدیریت دقیق منابع ارزی کشور در شرایط جنگی گفت: ما در شرایطی قرار داریم که در حال دفاع هستیم و مشخص نیست این وضعیت و دفاع در برابر تجاوز تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؛ بنابراین باید در حوزه واردات با حداکثر صرفه‌جویی و امساک، منابع ارزی کشور را به درستی مدیریت کنیم.

وی افزود: تا ماه گذشته دست‌کم شاهد نوعی بی‌نظمی در اولویت‌بندی واردات بودیم و موضوعاتی مانند ارز حاصل از صادرات و ارز با منشأ خارجی مطرح می‌شد که به اعتقاد من، چنین سازوکارهایی در عمل نمی‌تواند توجیه‌کننده نحوه مصرف منابع ارزی باشد.

رئیس اتاق مشترک ایران و چین تصریح کرد: کسی که ارز خود را از خارج وارد کشور می‌کند و با آن کالا به داخل می‌آورد، درنهایت کالای خود را در داخل می‌فروشد و ریال دریافت می‌کند. برای مثال، فردی که خودروی ۱۸۰ یا ۲۰۰ هزار دلاری وارد کرده است، حتی اگر فرض کنیم یک ایرانی ساکن خارج از کشور بوده و از این امتیاز استفاده کرده، پس از واردات خودرو آن را در داخل می‌فروشد و دوباره ارز را از بازار آزاد تهیه می‌کند و از کشور خارج می‌شود. بنابراین نمی‌توان این منابع را در اقتصاد کشور نگه‌داشته‌شده تلقی کرد.

حریری با اشاره به افزایش واردات خودروهای لوکس در ماه‌های اخیر اظهار کرد: این نوع بی‌نظمی‌ها و شلختگی‌ها در مصارف ارزی جای نقد دارد. پیش از جنگ نیز شاهد چنین حجمی از خودروهای لوکس وارداتی در کشور نبودیم، اما از خرداد سال گذشته که جنگ آغاز شد، در خیابان‌ها خودروهای لوکس مشاهده می‌کنیم.

وی ادامه داد: حتی گفته می‌شود یک نفر حدود ۲۰۰ دستگاه خودروی لکسوس با قیمت‌های ۱۷۰ تا ۱۸۰ هزار دلار وارد کرده و همه آنها را ظرف چند ساعت فروخته است. این‌ها اتفاقاتی است که در یک سال و نیم اخیر در بازار خودرو کشور مشاهده می‌کنیم و نشان می‌دهد در زمینه تخصیص و نظارت بر منابع ارزی واردات، مسائل و ابهاماتی وجود دارد.

اختصاص ارز بیشتر برای شیرخشک با وجود کاهش موالید

رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین در ادامه با تاکید بر ضرورت نظارت بر نحوه مصرف ارز تخصیصی به کالاهای اساسی و ضروری گفت: همه این موضوعات دارای آمار و اطلاعات است و نهادهای مسئول نیز به داده‌های مربوط دسترسی دارند، اما باید به این نکته توجه شود که بر اساس آمار مرکز آمار ایران، میزان زاد و ولد در کشور از سال گذشته تا امسال نسبت به دوره مشابه قبل کاهش پیدا کرده است.

حریری افزود: با وجود این کاهش، میزان ارز اختصاصی برای واردات شیرخشک، بیشتر شده است. این مسئله چند احتمال را مطرح می‌کند؛ یا ارز تخصیصی به واردات شیرخشک به مصرف واقعی خود نرسیده یا شیرخشک وارداتی پس از ورود به کشور به کالای دیگری تبدیل شده و حتی ممکن است در قالب محصولاتی مانند بیسکویت یا کالاهای دیگر از کشور صادر شده باشد.

وی تأکید کرد: وقتی تعداد نوزادان کشور کاهش پیدا می‌کند، اما ارز بیشتری به واردات شیرخشک اختصاص داده می‌شود و همچنان مردم با مشکلات مربوط به تأمین شیرخشک مواجه هستند، این موضوع نشان‌دهنده نوعی بی‌نظمی در نظام تخصیص و نظارت بر منابع ارزی است. در حالی که می‌توان این فرآیندها را دقیق‌تر کنترل و بر نحوه مصرف ارز نظارت بیشتری اعمال کرد.

چرا با وجود تخصیص ارز، مردم همچنان با کمبود دارو مواجه‌اند؟

رئیس اتاق مشترک ایران و چین با اشاره به مقایسه وضعیت تخصیص ارز دارو در سال‌های گذشته و شرایط فعلی پاسخ داد: در سال ۱۳۹۰ که برای نخستین بار با تحریم‌ها مواجه شدیم، اعلام شد قرار است ارز با نرخ ۱۲۲۶ تومان تخصیص پیدا کند. در آن زمان بخش زیادی از داروها به‌صورت ساخته‌شده وارد کشور می‌شد و مکمل‌های دارویی نیز عمدتاً وارداتی بودند.

حریری افزود: در همان مقطع، مجموع ارزی که تشکل‌های مرتبط با دارو، تجهیزات پزشکی و مکمل‌های دارویی درخواست کرده بودند، حدود ۲.۵ میلیارد دلار بود. این در حالی است که طی ۱۰ تا ۱۲ سال گذشته، بخش قابل توجهی از داروها و تجهیزات پزشکی در داخل کشور تولید شده‌اند یا دست‌کم فرآیند مونتاژ آنها در داخل شکل گرفته است.

وی ادامه داد: با وجود تخصیص ارز دارو، همچنان با کمبود دارو مواجه هستیم. این نشان می‌دهد در این حوزه نیز اشکالاتی وجود دارد که باید دوباره بررسی و درباره آنها بازنگری شود.

رئیس اتاق مشترک ایران و چین تصریح کرد: باید مشخص شود منابعی که برای دارو، تجهیزات پزشکی و نیازهای ضروری مردم اختصاص پیدا می‌کند، دقیقاً در چه مسیری هزینه می‌شود و چرا با وجود تخصیص چنین منابعی، همچنان مردم با مشکلات تأمین دارو مواجه هستند.

حریری با انتقاد از سوءاستفاده احتمالی از منابع ارزی تخصیص‌یافته به کالاهای حیاتی مردم گفت: کسانی که از منابع مربوط به دارو و غذای مردم و حتی شیرخشک مورد نیاز کودکان سوءاستفاده می‌کنند، در شرایط جنگی مرتکب اقدامی بسیار سنگین می‌شوند و باید با آنها برخورد شود.

> **این نوع بی‌نظمی‌ها و شلختگی‌ها در مصارف ارزی جای نقد دارد. پیش از جنگ نیز شاهد چنین حجمی از خودروهای لوکس وارداتی در کشور نبودیم، اما از خرداد سال گذشته که جنگ آغاز شد، در خیابان‌ها خودروهای لوکس مشاهده می‌کنیم**

دولت باید بر هر دلار منابع ارزی نظارت کند

رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین در پاسخ به این پرسش که آیا سیاست‌های ارزی دولت در شرایط جنگی توانسته مانع از بروز اختلال جدی در زنجیره واردات و تأمین مواد مورد نیاز کشور شود، بیان کرد: اینکه دولت توانسته قفسه فروشگاه‌ها را پر نگه دارد، به‌خودی خود اقدام مهمی است.

حریری افزود: ترجیح من در شرایط فعلی این است که به جای نقد کردن دولت، نسبت به نحوه مدیریت و مصرف منابع ارزی به دولت هشدار داده شود تا مراقبت بیشتری از این منابع صورت بگیرد.

وی خاطرنشان کرد: باید توجه داشت که هر یک دلار منابع ارزی کشور می‌تواند سرنوشت اقتصاد و حتی کشور را تغییر دهد؛ بنابراین دولت باید با حساسیت و دقت بسیار بیشتری بر نحوه تخصیص، مصرف و بازگشت منابع ارزی نظارت کند تا این منابع در مسیر تأمین نیازهای واقعی مردم و اولویت‌های کشور هزینه شود.

لبنان در مسیر آیمک؛

بنادر بیروت و طرابلس به کدام بازی ژئوپلیتیکی وارد شدند؟



تلاش لبنان برای پیوستن بنادر طرابلس و بیروت به کریدور آیمک، با وجود مزایای لجستیکی، با موانع جدی حکمرانی و بحران انرژی روبه‌روست. این چرخش راهبردی و گرایش به محور غربی-عربی، ضمن چالش‌های داخلی، می‌تواند پیامدهای ژئوپلیتیکی مهمی در تقابل با منافع منطقه‌ای ایران و ترکیه به همراه داشته باشد.

جوزف عون، رئیس جمهور لبنان در ۲۴ اکتبر از شهر طرابلس بازدید کرد که نخستین سفر یک رئیس جمهور لبنان به این شهر در بیش از ۱۵ سال گذشته بود. لبنان قصد دارد دو بندر خود را به کریدور هند–خاورمیانه–اروپا (آیمک) متصل کند. در این راستا، لبنان دو بندر خود را وارد کریدور هند–خاورمیانه–اروپا (IMEC) می‌کند.

در جریان این بازدید، اسکندر بدلی، رئیس هیات‌مدیره بندر طرابلس، عون را در جریان امضای توافق پیوستن این بندر و همچنین بندر بیروت به باشگاه بنادر کریدور آیمک» قرار داد. وی همچنین توضیحاتی را درباره تعهدات ناشی از این عضویت در حوزه‌های زیرساخت، حکمرانی و تحول دیجیتال ارائه کرد. عون پیوستن لبنان با دو بندر خود به این کریدور را مهم دانست. او این عضویت را «فرصتی بزرگ» برای طرابلس و بیروت دانست تا با توجه به شرایط کنونی منطقه، به دروازه‌هایی جهت خدمت‌رسانی نه فقط به لبنان، بلکه به کشورهای همسایه تبدیل شوند. با این وجود، عون تاکید کرد که تحقق این هدف به برداشتن گام‌های پی‌درپی و هدفمند نیاز دارد. در همین راستا، احمد تأمر، مدیر عملیات بندر طرابلس ضمن درخواست برای بازگشایی خط راه‌آهن، تنها مانع اجرای این طرح را تأمین مالی دانست. وی همچنین پیشنهاد کرد که بندر طرابلس به جای رقابت با بنادر سوریه، نقشی مکمل در کنار آن‌ها ایفا کند.

اهمیت راهبردی لبنان

اگرچه لبنان در طرح اولیه «کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا» گنجانده نشد اما موقعیت راهبردی، این کشور را به حلقه مکمل در ساختار کلان اتصالات این کریدور تبدیل می‌کند. با توجه به اینکه لبنان از نظر جغرافیایی در محدوده عملیاتی این کریدور واقع شده است، آثار اقتصادی و لجستیکی و حتی پیامدهای امنیتی آن می‌تواند به این کشور نیز سرریز شود. لبنان با وجود بحران‌های جاری، همچنان از دارایی‌های ساختاری برخوردار است که با معماری در حال ظهور همگرایی منطقه‌ای ارتباط دارند. دو بندر اصلی این کشور، یعنی بیروت و طرابلس در نقطه تلاقی آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته‌اند. از نظر تاریخی، هر دو بندر به عنوان دروازه‌هایی برای تجارت منطقه‌ای به مقصد سوریه، اردن و کشورهای حوزه خلیج فارس عمل کرده‌اند. با وجود دشواری‌های موجود، این بنادر همچنان شبکه‌ای گسترده را اداره می‌کنند که بیش از ۶۰ مسیر دریایی را در سه قاره به هم متصل می‌سازد و پروژه‌هایی نیز برای توسعه ظرفیت آن‌ها در دست اجراست. بر اساس اعلام بانک جهانی، بندر بیروت از نظر کارایی عملیاتی، عملکردی بهتر از ۶۲ بندر از مجموع ۸۹ بندر حوزه مدیترانه دارد. داده‌های اخیر نشان‌دهنده جهشی ۲۴ درصدی در فعالیت‌های کانتینری در سال ۲۰۲۵ است که نشان‌دهنده تاب‌آوری این بندر در دوران بهبود پس از جنگ است. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که مؤلفه مهمی از زیرساخت‌های لجستیکی لبنان، با وجود محدودیت‌های نهادی کلان در این کشور، همچنان کارآمد و فعال هستند.

نقطه قوت لبنان نه در رقابت مستقیم با دروازه‌های منطقه‌ای تثبیت‌شده، بلکه در تکمیل نقش آن‌ها است. بنادر مصر از طریق کانال سوئز به ترانزیت دریایی جهانی خدمت ارائه می‌کنند، همچنین بندر حیفا به عنوان دروازه اصلی اسرائیل عمل می‌کند اما به دلایل سیاسی برای بخش‌هایی از جهان عرب غیرقابل دسترس است و زیرساخت‌های سوریه نیز همچنان در حال بازیابی پس از سال‌ها درگیری هستند. به این ترتیب، لبنان جایگاهی ویژه به عنوان قطب لجستیکی بالقوه در شرق مدیترانه دارد که می‌تواند تأثیر مثبتی برای اقتصاد منطقه شام داشته باشد.

بازگشایی فرودگاه «قلیعات» برای فعالیت‌های تجاری می‌تواند به همراه تکمیل زیرساخت‌های دریایی لبنان، ظرفیت حمل‌ونقل چندوجهی این کشور را بیش از پیش تقویت کند، به ویژه که فعالیت‌های تجاری در مناطق شمالی کمتر تحت تأثیر مناقشات و تنش‌های منطقه‌ای قرار گرفته‌اند. با این حال، بهره‌برداری اقتصادی از این مزیت‌های جغرافیایی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که لبنان بتواند ریسک‌های امنیتی و مخاطرات مربوط به حاکمیت ملی را که همچنان مانع جذب سرمایه‌گذاری شده و یکپارچگی منطقه‌ای را با دشواری مواجه می‌کنند، کاهش دهد.

موانع واقعی لبنان

جغرافیا می‌تواند فرصت‌های بالایی را ارائه کند اما کریدورهای تجاری درنهایت به شرط شرایط قابلیت پیش‌بینی محقق می‌شوند. نبود لبنان در طرح اولیه «کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا» نشان‌دهنده ترکیبی از ضعف‌های حکمرانی داخلی، کمبودهای زیرساختی و نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی در منطقه مدیترانه شرقی است.

لبنان از سال ۲۰۱۹ با تلاطم‌های سیاسی شدیدی روبه‌رو بوده و بین سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵، خلأ حکومتی دوساله‌ای را تجربه کرده است. با وجود تلاش‌های اولیه دولت برای انجام اصلاحات، ناکارآمدی نظام اداری همچنان ادامه دارد. درنتیجه، اعتماد سرمایه‌گذاران به‌ویژه پس از خسارات زیرساختی ناشی از جنگ‌های سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۶ در سطح پایینی باقی مانده است.

مجموعه این عوامل به بی‌اعتمادی گسترده عمومی دامن زده است.

افزایش مهاجرت جوانان و متخصصان تحصیل‌کرده نیز تهدیدی جدی برای بهبود و احیای مؤثر کشور به شمار می‌رود. بدون تحقق این شرایط، جذب منابع مالی خارجی، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و مشارکت بلندمدت در این کریدور با محدودیت‌های جدی روبه‌رو خواهد بود.

همچنین ادامه کاهش تنش‌ها در منطقه نیز پیش‌شرطی ضروری برای جذب سرمایه‌گذاری بلندمدت بخش خصوصی است که توسعه چنین کریدوری به آن‌ها نیاز دارد. درنهایت، کریدورهای تجاری بیش از آنکه به جغرافیا وابسته باشند، به قابلیت پیش‌بینی بها می‌دهند. سرمایه‌گذاران باید اطمینان داشته باشند که زیرساخت‌ها، مقررات و نهادها در بلندمدت عملکردی باثبات و قابل اتکا دارند.

لبنان همچنین با کمبود انرژی و شکاف‌های زیرساختی روبه‌روست که با الزامات پروژه‌های بزرگ‌مقیاس همخوانی ندارند. دسترسی به برق مطمئن، پیش‌شرط لجستیک مدرن، تاسیسات زنجیره سرد، بنادر هوشمند و سامانه‌های حمل‌ونقلی مبتنی بر داده‌های حجیم است. شرکت برق لبنان، تأمین‌کننده دولتی برق، در حال حاضر تنها قادر است روزانه چهار ساعت برق فراهم کند. هرچند، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در مناطق درگیر مناقشه و پیشبرد روند احیای بندر بیروت پس از انفجار سال ۲۰۲۰، همچنان از اهداف اصلی بوده‌اند. با این وجود، گزارش‌ها حاکی از آن است که سطح فعالیت این بندر هنوز از میزان پیش از سال ۲۰۱۹ پایین‌تر است.

فراتر از زیرساخت‌های فیزیکی، مشارکت در کریدورها به ظرفیت نهادی نیز نیاز دارد. رایزنی‌هایی با ذی‌نفعان بخش خصوصی برای رسیدگی به چالش‌های تدارکاتی و نوسازی بنادر آغاز شده اما پیشرفت همچنان کند است. ظرفیت اداری محدود و سامانه‌های گمرکی غیرقابل اتکا، همچنان مانعی بر سر راه پروژه‌های تجاری و ایجاد پیوندهای زیرساختی به شمار می‌روند. درنهایت، مشارکت لبنان در کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا بیش از آرمان‌های دیپلماتیک، به توانایی این کشور در اثبات نهادی پایدار، تداوم سیاست‌ها و ظرفیت اجرایی بستگی دارد.

پیامد ژئوپلیتیکی

از همان ابتدای طرح کریدور آیمک، بسیاری از کارشناسان این پروژه را در راستای نزدیکی سیاسی و اقتصادی اسرائیل با اعراب به ویژه عربستان سعودی تفسیر کردند که می‌تواند مقدمه‌ای برای پیوستن ریاض به پیمان ابراهیم خواهد بود. اما تحولات اخیر به ویژه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، نشان داد که این کریدور با وجود حمایت سیاسی همه جانبه غربی-عربی با چالش‌های جدی در حوزه امنیتی مواجه است و جنگ ایران و همچنین حملات یمن به عربستان نیز این روند را تشدید کرد. اکنون و در شرایطی که چشم‌انداز تحقق کریدور آیمک مبهم بوده، تازه دولت لبنان به دنبال پیوستن به این کریدور است. برای ردیابی این امر می‌توان از رویکردهای اخیر دولت لبنان در قبال ایران و جبهه مقاومت استفاده کرد که در به نوعی تلاش کرده تا در راستای اهداف اعراب و حتی رژیم صهیونیستی گام بردارد. بدون تردید، این رویکردهای سیاسی خود را در مشارکت پروژه‌های اقتصادی مانند کریدورها خود را نشان می‌دهد.

همچنین، کریدور آیمک به لحاظ سیاسی و اقتصادی مغایر با منافع ملی دو کشور ایران و ترکیه است که به نوعی در نفوذ بالایی دارند. درواقع، دولت لبنان با این تصمیم این دو کشور را از خود دور و بیشتر به سمت محور امارات-اسرائیل متمایل خواهد شد. البته این امر می‌تواند پیامدهای جدی برای دولت این کشور داشته باشد و نباید فراموش کرد که ایران پایگاهی محکم در اقشار مختلف لبنان دارد و ترکیه نیز سرمایه‌گذاری بالایی در طرابلس کرده است.

سه پروژه مهم اکنون در اطراف طرابلس به یکدیگر نزدیک شده‌اند. پروژه نخست، احیای راه‌آهن و برقراری ارتباط ریلی با سوریه است. پروژه دوم به برق و امکان اتصال شمال لبنان به شبکه‌ای از طریق خاک سوریه مربوط می‌شود. پروژه سوم نیز خطوط لوله کرکوک-طرابلس را در بر می‌گیرد که شرکت‌های ترک در هر کدام از آنها نقش راهبردی دارند.

اخیراً آنکارا اصرار دارد که لبنان نیز به پروژه ریلی حجاز برای اتصال ترکیه-عربستان ملحق شود که تاکنون دولت این کشور پاسخی به آن نداده است. بنابراین، پیوستن لبنان به کریدور رقیب با محوریت اسرائیل می‌تواند واکنش آنکارا را در پی داشته باشد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

■ شنبه ۷ آذر ۱۴۰۵ ■ ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۴۸ ■ ۲۸ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۱۸

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲

Charsogh newspaper.com

اخبار



شرکت دولتی آذربایجان پای‌کار تأمین انرژی اسرائیل

شرکت دولتی نفت آذربایجان در پروژه جدید اکتشاف گاز اسرائیل به اپراتور تبدیل شده و هم‌زمان سرمایه‌گذاری باکو در میادین گازی این رژیم و همکاری‌های انرژی دو طرف ادامه دارد.

در شرایطی که جنگ غزه و پیامدهای انسانی آن همچنان در کانون انتقادهای بین‌المللی قرار دارد، همکاری انرژی جمهوری آذربایجان و اسرائیل وارد مرحله تازه‌ای شده؛ مرحله‌ای که دیگر صرفاً به صادرات نفت خام محدود نیست و سرمایه‌گذاری مستقیم در اکتشاف و تولید گاز اسرائیل را نیز در برمی‌گیرد.

تازه‌ترین نشانه این روند، تکمیل عملیات لرزه‌نگاری یک کنسرسیوم مشترک با مشارکت شرکت دولتی نفت آذربایجان در آب‌های اسرائیل است؛ پروژه‌ای که نقش باکو را از تأمین‌کننده انرژی به یکی از بازیگران توسعه منابع هیدروکربنی این رژیم گسترش می‌دهد.

براساس گزارش ۲۷ آبان‌ماه خبرگزاری رویترز، کنسرسیومی متشکل از شرکت دولتی نفت آذربایجان (سوکار)، شرکت بریتانیایی بریتیش پترولیوم و شرکت اسرائیلی نیومد انرژی، عملیات اکتشافی در محدوده‌ای به وسعت حدود یک هزار و ۶۷۷ کیلومترمربع در منطقه انحصاری اقتصادی اسرائیل را به پایان رسانده است. نکته مهم آن است که سوکار با در اختیار داشتن حدود یک‌سوم سهم پروژه، مسئولیت راهبری و اجرای عملیات را بر عهده دارد. نتایج نهایی مطالعات قرار است در سال ۱۴۰۶ مشخص شود.

این همکاری صرفاً یک مشارکت مالی نیست؛ زیرا شرکت دولتی آذربایجان اکنون در موقعیتی قرار گرفته که در شناسایی منابع جدید گاز اسرائیل و احتمال توسعه آنها نقش مستقیم دارد. به این ترتیب، همکاری باکو و تل‌آویو از خریدوفروش انرژی به مشارکت در مراحل بالادستی صنعت گاز نیز رسیده است.

سوکار در میادین گازی اسرائیل سرمایه‌گذاری کرده است

پروژه اکتشافی جدید، نخستین حضور شرکت دولتی نفت آذربایجان در صنعت گاز اسرائیل نیست. این شرکت در سال ۱۴۰۴ با نهایی کردن خرید سهم ۱۰ درصدی میدان گازی تامار، به جمع سرمایه‌گذاران یکی از مهم‌ترین میادین تولید گاز اسرائیل پیوست. تامار از میادین اصلی تأمین گاز این رژیم در دریای مدیترانه به شمار می‌رود. در کنار این سرمایه‌گذاری، حضور سوکار در پروژه اکتشافی نزدیک میدان لویاتان نشان می‌دهد باکو تنها به درآمد حاصل از فروش نفت به اسرائیل اکتفا نکرده و به دنبال گسترش حضور خود در بخش تولید و توسعه منابع انرژی این رژیم نیز بوده است. این روند با مواضع رسمی مقام‌های آذربایجان نیز همراه شده است. میکائیل جباروف، وزیر اقتصاد این کشور، در سال ۱۴۰۵ مشارکت سوکار در پروژه گازی اسرائیل را تأیید کرد و توسعه فعالیت‌های بین‌المللی این شرکت در بخش اکتشاف و تولید را بخشی از برنامه‌های اقتصادی باکو دانست.

انرژی باکو و تل‌آویو به سطح روابط دولتی رسیده است

گسترش فعالیت‌های سوکار در اسرائیل در شرایطی صورت می‌گیرد که مقام‌های دو طرف نیز بر تقویت مناسبات اقتصادی تاکید کرده‌اند. در آبان ۱۴۰۴، وزیر اقتصاد آذربایجان با وزیر انرژی و زیرساخت اسرائیل دیدار کرد و توسعه همکاری‌های نفت و گاز از محورهای اصلی گفت‌وگوهای آنها بود.

چند ماه بعد نیز در جریان سفر وزیر خارجه اسرائیل به باکو، توسعه روابط اقتصادی و انرژی دو طرف مورد بحث قرار گرفت. این دیدارها نشان می‌دهد همکاری‌های انرژی صرفاً در سطح تصمیم‌های تجاری یک شرکت باقی نمانده و در چارچوب مناسبات رسمی دو دولت دنبال می‌شود.

از سوی دیگر، فعالیت تجاری سوکار در بازار گاز مصر نیز ابعاد منطقه‌ای این حضور را گسترش داده است. این شرکت در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵ سه محموله گاز طبیعی مایع به ارزش حدود ۱۴۶.۵ میلیون دلار به مصر ارسال کرد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که مصر در کنار دریافت گاز از میادین اسرائیل، به دنبال منابع جایگزین برای تأمین نیازهای خود است و عرضه گاز آذربایجان می‌تواند در تأمین بازار این کشور نقش مکمل داشته باشد.

نفت آذربایجان همچنان یکی از منابع اصلی تأمین انرژی اسرائیل است

با وجود ورود باکو به حوزه اکتشاف و تولید گاز، نفت همچنان مهم‌ترین حلقه اتصال انرژی آذربایجان و اسرائیل محسوب می‌شود. نفت خام آذربایجان از طریق خط لوله باکو-تفلیس-جیحان، پس از عبور از گرجستان و ترکیه به پایانه جیحان در ساحل مدیترانه می‌رسد و از آنجا با نفتکش به بازارهای مختلف، از جمله اسرائیل صادر می‌شود.

براساس داده‌های شرکت ردیابی انرژی کپلر که در گزارش رویترز منتشر شد، نفت آذربایجان در سال ۱۴۰۴ حدود ۴۶.۴ درصد از واردات نفت خام اسرائیل را تشکیل داد و با میانگین حدود ۹۴ هزار بشکه در روز در صدر منابع تأمین نفت این رژیم قرار گرفت. این ارقام نشان می‌دهد رابطه انرژی دو طرف فقط به سرمایه‌گذاری‌های تازه وابسته نیست؛ بلکه نفت آذربایجان همچنان سهم قابل توجهی در تأمین نیاز پالایشگاه‌های اسرائیل دارد. درواقع باکو هم‌زمان در دو جایگاه تأمین‌کننده نفت و سرمایه‌گذار در صنعت گاز اسرائیل فعالیت می‌کند.

ترکیه با وجود ممنوعیت تجاری، همچنان در مسیر انتقال نفت نقش دارد

یکی از پرسش‌های مهم در این میان، نقش ترکیه در ادامه انتقال نفت آذربایجان به اسرائیل است. آنکارا در ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ توقف کامل تجارت مستقیم با اسرائیل را اعلام کرد اما این تصمیم به معنای توقف جریان نفت آذربایجان از پایانه جیحان نبود. گزارش‌های ردیابی نفتکش‌ها نشان می‌دهد محموله‌هایی که در این پایانه بارگیری شده‌اند، همچنان به بنادر اسرائیل رسیده‌اند. در برخی موارد نیز نفتکش‌ها مقصد دیگری را ثبت کرده یا سامانه شناسایی خودکار خود را در مسیر خاموش کرده‌اند. دولت ترکیه در واکنش اعلام کرده که شرکت دولتی بوتاش در خریدوفروش نفت آذربایجان دخالتی ندارد و مسئولیت معاملات بر عهده صادرکنندگان و شرکت‌های تجاری است.

در همین زمینه، گزارش پژوهشی منتشرشده در آبان ۱۴۰۵ از سوی چند سازمان و کارزار حامی فلسطین مدعی شد که از زمان اعلام ممنوعیت تجاری ترکیه تا پایان خرداد ۱۴۰۵، دست‌کم ۷۷ محموله نفتی از پایانه جیحان به اسرائیل منتقل شده است. این رقم براساس داده‌های ردیابی کشتی‌ها تهیه شده و آمار رسمی دولت‌ها نیست؛ با این حال، استمرار انتقال محموله‌ها پس از اعلام ممنوعیت، پرسش‌هایی درباره نحوه اجرای این تصمیم ایجاد کرده است.



قدرت خرید مسکن سقوط کرد

گزارش

یک کارشناس بازار مسکن گفت: کاهش قدرت خرید متقاضیان، تقاضا برای آپارتمان‌های ۴۰ تا ۷۰ متری را افزایش داده و در حال حاضر قیمت‌سازی در بازار مسکن به زیان خریداران واقعی تمام شده است.

منصور غیبی، کارشناس بازار مسکن، در گفت‌وگو با مهر، درباره آخرین وضعیت بازار خریدوفروش و اجاره‌بهای مسکن، اظهار کرد: در نبود آمار رسمی از وضعیت بازار مسکن، افراد مختلف براساس برداشت خود، میانگین قیمت‌ها و شرایط بازار را تعریف می‌کنند. این وضعیت حتی می‌تواند به قیمت‌سازی کاذب منجر شود و در این میان، بیشترین زیان متوجه مصرف‌کنندگان واقعی مسکن است.

وی افزود: افرادی که در حوزه ساخت‌وساز فعالیت می‌کنند، متقاضیان مشارکت در ساخت، فعالان بخش تولید مسکن و همچنین دلالان و کاسبان بازار خریدوفروش ملک، ممکن است از این نوع قیمت‌سازی‌ها و فضاسازی‌های مجازی و التهاباتی که تحت‌تأثیر شرایط اقتصادی کشور شکل می‌گیرد، منتفع شوند.

این کارشناس بازار مسکن بیان کرد: در چنین شرایطی، تنها گروهی که تلاش می‌کند از آسیب‌های این فضا در امان بماند و به خواسته واقعی خود دست پیدا کند، مصرف‌کننده واقعی است؛ با این حال، همین گروه نیز به‌تدریج از بازار مسکن فاصله می‌گیرد.

بازار مسکن قربانی نوسانات ارز، طلا و خودرو شد

وی با اشاره به نبود آمار دقیق از معاملات بازار مسکن، تصریح کرد: باتوجه‌به حجم بالای مبادلات مالی در این بخش از اقتصاد، انتظار می‌رود آمار قابل اتکایی از تعداد معاملات ماهانه وجود داشته باشد تا مشخص شود در یک ماه چه تعداد واحد مسکونی معامله شده است؛ برای مثال، ممکن است آماری مبنی بر معامله ۱۰ هزار واحد آپارتمان در یک ماه منتشر شود، درحالی که شاید تنها ۱۰ درصد این آمار صحت و واقعیت داشته باشد.

غیبی ادامه داد: باوجوداین، نوعی هیجان در بازار شکل گرفته است؛ چراکه مردم سرمایه‌های خود را در بازارهای موازی به گردش درمی‌آورند و به تصور حفظ ارزش دارایی‌هایشان در برابر کاهش ارزش ریال، به دنبال تبدیل سرمایه‌های خود هستند؛ بنابراین، هرگونه التهاب در بازارهای موازی، به شکلی در بازار خریدوفروش مسکن نیز بازتاب پیدا می‌کند. وی با تشریح تأثیر افزایش قیمت ارز، طلا و خودرو بر بازار املاک، گفت: زمانی که فروشندگان مشاهده می‌کنند قیمت ارز و طلا افزایش یافته است، ممکن است تصمیم بگیرند اندوخته‌های خود را بفروشند و سرمایه‌شان را به بازار مسکن منتقل کنند. برای مثال، برخی افراد ممکن است خودروی خود را بفروشند و با سرمایه حاصل از آن، ملک خریداری کنند. همین مسئله به‌صورت غیرمستقیم بر انتظارات قیمتی در بازار مسکن اثر می‌گذارد.

چرا آپارتمان‌ها گران‌تر از ارزش واقعی خود معامله می‌شوند؟

این کارشناس بازار مسکن اظهار کرد: در شرایطی که مردم به‌صورت روزانه بازارهای مختلف را رصد می‌کنند و مشاهده می‌کنند خودرویی که تا دیروز یک میلیارد تومان قیمت داشته، اکنون با قیمت چهار میلیارد تومان معامله می‌شود، این تصور شکل می‌گیرد که بازار مسکن نیز نباید از سایر بازارها عقب بماند. درنتیجه، مجموعه‌ای از این عوامل در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و زمینه ایجاد هیجان و التهاب در بازار مسکن را فراهم می‌کنند. وی با اشاره به پیامدهای این وضعیت برای خریداران واقعی مسکن، اظهار کرد: نتیجه چنین شرایطی این است که خریدار به اندازه بهایی که پرداخت می‌کند، ارزش واقعی کالا و خدمات دریافت نمی‌کند. برای مثال، ممکن است قیمت یک واحد مسکونی در منطقه‌ای به سطحی برسد که پیش از این سابقه نداشته است، اما مشخص نیست ملکی که با چنین قیمتی معامله می‌شود، از نظر ساختار فنی، امکانات، شرایط سکونت و حتی موقعیت منطقه، واقعاً ارزش پرداخت این میزان پول را داشته باشد.

غیبی تأکید کرد: درواقع، ممکن است بهایی که خریدار برای یک آپارتمان پرداخت می‌کند، با ارزش واقعی آن از نظر کیفیت ساخت، امکانات و شرایط سکونتی تناسب نداشته باشد. مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که سرعت‌گیری کاذب و هیجانی ناشی از شرایط اقتصادی به بازار مسکن تزریق شده و تعادل و توازن این بازار را بر هم زده است.

بازار مسکن وارد رکود تورمی شد؛ قیمت‌ها روزانه افزایش می‌یابد

این کارشناس بازار مسکن با اشاره به تغییر رفتار فعالان بازار مسکن در پی نوسانات قیمتی اظهار کرد: در شرایط فعلی، دوره تحلیل و تصمیم‌گیری در بازار مسکن از بازه‌های ماهانه به دوهفته‌ای، هفتگی و حتی روزانه تغییر کرده است. به‌طوری که فروشنده‌ای که تا روز گذشته برای فروش ملک خود اعلام آمادگی کرده بود، ممکن است با مشاهده افزایش قیمت‌ها از تصمیم خود منصرف شود.

وی یادآور شد: برای مثال، مشاوران املاک زمانی که برای فروشنده‌ای درخواست تنظیم قرارداد می‌کنند، با این پاسخ مواجه می‌شوند که فروشنده ترجیح می‌دهد بیشتر فکر کند؛ چراکه ملکی را که قصد خرید آن را داشته، با افزایش یک میلیارد تومانی قیمت مواجه دیده است؛ بنابراین، فعلاً از فروش ملک خودداری می‌کند. این وضعیت نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که تقاضا و عرضه در بازار وجود دارد، معاملات نیز ممکن است به دلیل انتظارات افزایشی قیمت متوقف شوند.

غیبی با تأکید بر شکل‌گیری رکود تورمی در بازار مسکن تصریح کرد: اکنون با وضعیتی مواجه هستیم که از یک سو خریدوفروش در بازار با رکود همراه شده و ازسوی دیگر، قیمت‌ها همچنان افزایش پیدا می‌کنند. این افزایش قیمت‌ها بیشتر ناشی از رفتارها و انتظارات تورمی در جامعه است که به‌صورت سینه‌به‌سینه میان فعالان بازار منتقل می‌شود.

> **متأسفانه در شرایط کنونی، انتظارات تورمی و التهابات اقتصادی مردم را نگران کرده است. این نوع نگرانی‌ها و انتظارات باعث شده مسیر بازار مسکن نیز همسو با برخی التهابات اقتصادی، به سمت سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های سوداگرانه حرکت کند**

بازار مسکن در دور باطل گرانی و رکود

وی ادامه داد: برای مثال، چگونه ممکن است قیمت طلا که تا روز گذشته گرمی ۲۳ میلیون تومان اعلام می‌شد، امروز به بیش از ۲۶ میلیون تومان برسد؟ این تغییرات درنهایت بر رفتار و تصمیم‌گیری فعالان بازار تأثیر می‌گذارد. فردی که ملکی به ارزش ۱۰ میلیارد تومان در اختیار دارد، با چنین افزایشی احساس می‌کند ارزش دارایی‌اش در یک روز حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان تغییر کرده است.

این کارشناس بازار مسکن بیان کرد: این تغییر ارزش، چه از منظر ایجاد انگیزه برای خرید و چه از نظر کاهش قدرت خرید افرادی که تاکنون موفق به خرید مسکن نشده‌اند، اثرگذار است. به بیان دیگر، ارزش ریالی دارایی و قدرت خرید متقاضیان تحت‌تأثیر این تحولات قرار می‌گیرد و مجموعه این عوامل، تحلیل درآمدی و ارزیابی وضعیت واقعی بازار مسکن را با اختلال مواجه می‌کند.

عامل اصلی التهاب بازار مسکن چیست؟

وی با اشاره به عوامل مؤثر بر اقتصاد مسکن گفت: عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد مسکن را می‌توان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرد. عوامل داخلی شامل افزایش جمعیت جوان، ورود خریداران خانه اولی به بازار، توسعه اقتصادی و صنعتی در جوامع پیشرفته و همچنین شکل‌گیری ازدواج‌هاست که می‌تواند به افزایش تقاضا و ضرورت تولید مسکن منجر شود. توسعه اقتصادی و صنعتی نیز از عواملی است که زمینه تولید مسکن و اشتغال نیروی کار را فراهم می‌کند.

غیبی تصریح کرد: بااین حال، در شرایط فعلی نمی‌توان همه افزایش قیمت‌های بازار مسکن را به عواملی مانند رشد جمعیت جوان، افزایش تعداد خریداران خانه اولی یا عقب‌ماندگی تولید مسکن نسبت داد و این عوامل را به‌عنوان دلایل اصلی گرانی مطرح کرد.

وی با تأکید بر نقش عوامل بیرونی در تحولات اخیر بازار مسکن اظهار کرد: متأسفانه در شرایط کنونی، انتظارات تورمی و التهابات اقتصادی مردم را نگران کرده است. این نوع نگرانی‌ها و انتظارات باعث شده مسیر بازار مسکن نیز همسو با برخی التهابات اقتصادی، به سمت سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های سوداگرانه حرکت کند.

این کارشناس بازار مسکن یادآور شد: در چنین فضایی، برخی افراد تصور می‌کنند کالایی در اختیار دارند که می‌توانند از طریق خریدوفروش آن، ارزش افزوده بالایی برای خود ایجاد کنند. همین نگاه و تغییر رفتارهای معاملاتی، در مجموع تعادل بازار مسکن را بر هم زده است.

آپارتمان‌های ۴۰ تا ۷۰ متری در صدر تقاضای بازار مسکن قرار گرفتند

وی درباره وضعیت تقاضا از نظر متراژ واحدهای مسکونی و بازه قیمتی معاملات گفت: برای بررسی وضعیت بازار باید مشخص شود بیشترین معاملات در چه متراژهایی و در چه محدوده‌های قیمتی انجام می‌شود و این معاملات تا چه اندازه با توان مالی خریداران تناسب دارد. بااین حال، به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، خرید واحد مسکونی با قیمتی کمتر از ۱۰ میلیارد تومان دشوار شده است؛ درحالی که تا پیش‌ازاین، حتی در مناطق متوسط و متوسط رو به پایین نیز امکان خرید آپارتمان با قیمت‌های پایین‌تر وجود داشت.

غیبی افزود: در حال حاضر، واحدهای مسکونی ریز متراژ، به‌ویژه آپارتمان‌های ۴۰ تا ۶۵ و حتی ۷۰ متری، بیشترین تقاضا را به خود اختصاص داده‌اند. این واحدها در مقایسه با آپارتمان‌های بزرگ‌تر، متقاضی بیشتری دارند و از قابلیت خریدوفروش آسان‌تری برخوردارند. این کارشناس بازار مسکن در پایان با تشریح تفاوت قیمت واحدهای کوچک و بزرگ خاطرنشان کرد: برای مثال، ممکن است در یک منطقه، آپارتمانی با متراژ ۱۲۰ مترمربع، متری ۳۰۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده باشد، اما یک واحد ۵۵ متری در همان منطقه به دلیل تقاضای بیشتر و سهولت در فروش، باقیمت متری ۳۴۰ میلیون تومان معامله شود؛ بنابراین، هرچه متراژ واحد مسکونی کوچک‌تر باشد، به دلیل نیاز به بودجه کمتر در مقایسه با آپارتمان‌های ۱۲۰ متری، تعداد متقاضیان آن افزایش پیدا می‌کند و تقاضای بیشتری برای خرید آن شکل می‌گیرد.

نان مردم در سفره دام‌ها؛

پشت پرده تجارت آرد یارانه‌ای

نانی که با حمایت دولت برای تأمین غذای خانوار تولید می‌شود، در برخی موارد سر از دامداری‌ها، مرغداری‌ها و واحدهای پرورش آبزیان درمی‌آورد. اختلاف قیمت میان آرد و نان یارانه‌ای با نهاده‌های مورد استفاده در فعالیت‌های اقتصادی، بازاری برای خریدهای عمده، خشک‌کردن نان و انتقال آن به مصارف غیرخانوار ایجاد کرده است.

نان در ایران یکی از مهم‌ترین کالاهای یارانه‌ای است و دولت بخش قابل توجهی از هزینه تأمین گندم و آرد آن را پرداخت می‌کند تا خانوارها بتوانند با قیمتی پایین‌تر از هزینه واقعی تولید، نان مورد نیاز خود را تهیه کنند. با این حال، اختلاف قیمت میان نان یارانه‌ای و برخی مواد اولیه مورد استفاده در فعالیت‌های اقتصادی، انگیزه‌ای برای خروج این محصول از چرخه مصرف خانوار ایجاد کرده است. یکی از مصادیق این انحراف، خرید نان در حجم بالا، خشک‌کردن آن و استفاده در خوراک دام است. در چنین شرایطی، محصولی که با هدف تأمین غذای مردم و استفاده از منابع یارانه‌ای تولید شده، به جایگزینی برای بخشی از خوراک مورد نیاز واحدهای دامپروری تبدیل می‌شود. این مسئله به دامداری‌ها محدود نیست و استفاده از نان یارانه‌ای در فعالیت‌های مرتبط با پرورش طیور و آبزیان نیز از جمله مسیرهای شناسایی‌شده انحراف مصرف است.

از منظر اقتصادی، شکل‌گیری چنین بازاری اتفاق پیچیده‌ای نیست. زمانی که قیمت یک کالای یارانه‌ای به اندازه کافی از قیمت جایگزین‌های تجاری آن پایین‌تر باشد، استفاده از آن در فعالیت‌های اقتصادی دیگر می‌تواند برای برخی خریداران صرفه داشته باشد. در این وضعیت، مصرف‌کننده تجاری به جای تأمین مواد اولیه از مسیر متعارف بازار، به سراغ کالایی می‌رود که بخشی از هزینه تولید آن پیش‌تر از منابع عمومی پرداخت شده است. نتیجه این جابه‌جایی آن است که دولت عملاً بخشی از هزینه فعالیت اقتصادی مصرف‌کنندگان غیرخانوار را تأمین می‌کند؛ در حالی که هدف اصلی یارانه آرد و نان، حمایت از امنیت غذایی خانوارها بوده است. البته صرف مشاهده نان خشک در خوراک دام، به تنهایی نشانه انحراف یارانه نیست؛ زیرا بخشی از نان خشک می‌تواند حاصل ضایعات مصرف خانوار یا جمع‌آوری پسماند غذایی باشد. مسئله زمانی شکل می‌گیرد که نان تازه یارانه‌ای به صورت سازمان‌یافته و در حجم بالا، صرفاً برای انتقال به مصارف دیگر خریداری شود.

سود پنهان در اختلاف قیمت آرد و نان

برای درک چرایی خروج نان از شبکه رسمی، باید به ساختار قیمت‌گذاری گندم و آرد توجه کرد. در نظام یارانه‌ای، قیمت آرد مورد استفاده نانوایی‌های مشمول حمایت با قیمت آرد مصرفی صنایع و واحدهای آزادپز یکسان نیست. همین تفاوت می‌تواند انگیزه انتقال آرد از شبکه یارانه‌ای به بازارهای دیگر را ایجاد کند.

درواقع، سود اصلی این فعالیت لزوماً از تولید نان به دست نمی‌آید، بلکه می‌تواند حاصل دسترسی به آرد ارزان‌قیمت و فروش مستقیم یا غیرمستقیم آن در بازاری با قیمت بالاتر باشد. یکی از مسیرهای انحراف، خروج مستقیم آرد یارانه‌ای از نانوایی و انتقال آن به مصارف دیگر است. مسیر دوم نیز خرید نان یارانه‌ای در حجم بالا و استفاده تجاری از محصول نهایی است. در هر دو حالت، اختلاف قیمت نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. هرچه فاصله میان قیمت کالای یارانه‌ای و ارزش اقتصادی آن در بازارهای دیگر بیشتر باشد، انگیزه سوءاستفاده از این اختلاف افزایش پیدا می‌کند. این موضوع به‌ویژه در شرایطی اهمیت دارد که بخشی از هزینه تأمین نهاده‌های تولید برای فعالان اقتصادی افزایش یافته باشد. در چنین فضایی، دسترسی به نان یارانه‌ای ارزان می‌تواند به مزیتی اقتصادی تبدیل شود که بنگاه‌های فاقد این دسترسی از آن برخوردار نیستند. بنابراین، انحراف آرد یارانه‌ای فقط به ائتلاف منابع دولت منجر نمی‌شود، بلکه ممکن است رقابت در بازار نهاده‌ها و محصولات غذایی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بنگاهی که مواد اولیه مورد نیاز خود را از بازار رسمی و با قیمت متعارف تهیه می‌کند، در مقایسه با مجموعه‌ای که به منابع یارانه‌ای دسترسی غیرمجاز دارد، ممکن است با هزینه تولید بالاتری مواجه شود. به این ترتیب، یارانه‌ای که قرار بوده از مصرف‌کننده حمایت کند، می‌تواند به عاملی برای ایجاد مزیت ناعادلانه در فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شود.



تراکنش‌های صوری؛ راه خروج آرد از نانوایی

انحراف منابع یارانه‌ای همیشه از مسیر خرید واقعی نان اتفاق نمی‌افتد. یکی دیگر از شیوه‌های شناسایی شده، ثبت تراکنش‌های غیرواقعی در دستگاه‌های کارتخوان نانوایی است. در این روش، برخی نانوایان با ثبت تعداد بیشتری نان نسبت به میزان واقعی فروش، تراکنش‌هایی ایجاد می‌کنند که لزوماً با تولید و تحویل نان به مصرف‌کننده مطابقت ندارد.

این رفتار در سازوکارهایی که میزان فروش ثبت‌شده بر پرداخت کمک‌هزینه یا سهمیه آرد اثر می‌گذارد، می‌تواند زمینه دریافت منابع بیشتر و خروج بخشی از آرد یارانه‌ای از شبکه رسمی را فراهم کند. ابعاد احتمالی این مشکل زمانی روشن‌تر می‌شود که اختلاف میان میزان مصرف آرد نانوایی‌های یارانه‌ای و خرید ثبت‌شده آرد در واحدهای آزادپز بررسی شود. میانگین مصرف ماهانه آرد در نانوایی‌های یارانه‌ای حدود ۷.۹ تن گزارش شده، در حالی که میانگین خرید آرد واحدهای آزادپز از سامانه رسمی حدود چهار تن در ماه بوده است؛ اختلافی معادل ۳.۹ تن که پرسش‌هایی درباره نحوه تأمین آرد برخی واحدهای آزادپز ایجاد می‌کند. این اختلاف به‌تنهایی اثبات‌کننده خرید غیرقانونی آرد نیست؛ زیرا تفاوت ظرفیت تولید، نوع فعالیت و تعداد مشتریان نیز بر مصرف آرد اثر می‌گذارد. با این حال، ضرورت ردیابی دقیق مسیر تأمین آرد واحدهای مختلف را نشان می‌دهد. در همین راستا، اتصال نانوایی‌های آزادپز به سامانه نانینو و ثبت اطلاعات فروش و مصرف آرد در دستور کار قرار گرفته است. برای واحدهایی که از پایانه فروشگاهی مربوط استفاده نکنند، کاهش حداقل ۳۰ درصدی سهمیه آرد پیش‌بینی شده و در صورت تداوم عدم اتصال، امکان حذف کامل سهمیه در دوره بعد نیز وجود دارد. هدف این اقدام، افزایش شفافیت در چرخه تأمین آرد و کاهش امکان انتقال منابع یارانه‌ای میان واحدهای مختلف بدون ثبت و نظارت است.

مسدود شدن مسیر رانت؛ حمایت از سفره مردم

اصلاح نظام توزیع آرد و نان در شرایطی دنبال می‌شود که بخشی از خریدهای ثبت‌شده در شبکه، تناسبی با نیاز معمول خانوارها ندارد. میانگین سرانه مصرف آرد هر ایرانی حدود هشت کیلوگرم در ماه است اما اطلاعات ثبت‌شده از خریدهای معادل بیش از ۱۰۰ کیلوگرم آرد در ماه توسط ده‌ها هزار نفر حکایت دارد. چنین فاصله‌ای میان مصرف متعارف و خریدهای ثبت‌شده، ضرورت تفکیک مصرف خانوار از فعالیت‌های تجاری را آشکار می‌کند. یکی از اصلاحات مهم، شناسایی خریدهای نامتعارف و محاسبه مابه‌التفاوت یارانه برای مصارف خارج از الگوی خانوار است. در سازوکار پیش‌بینی شده، خریدهای تجاری و نامتعارف فراتر از حد تعیین‌شده با نرخ آرد مصارف صنف و صنعت محاسبه می‌شوند و مبلغ مازاد از حساب نانوا کسر و به حساب شرکت بازرگانی دولتی ایران بازگردانده خواهد شد.

اجرای این سیاست می‌تواند یکی از انگیزه‌های اصلی انحراف را هدف قرار دهد؛ زیرا در صورت اعمال نرخ متناسب با مصرف تجاری، بخشی از مزیت اقتصادی خرید نان یارانه‌ای برای مصارف غیرخانوار از بین می‌رود. در کنار آن، حذف امکان خرید نان با کارت هدیه، اتصال کارت بانکی به اطلاعات هویتی و شناسایی تراکنش‌های غیرمتعارف از دیگر اقداماتی است که برای افزایش قابلیت ردیابی خریدها انجام شده است.

با این حال، موفقیت این سازوکار به دقت شناسایی مصارف تجاری وابسته است. خرید عمده نان همیشه به معنای سوءاستفاده نیست و باید نیازهای مشروع خانوارهای پرجمعیت و مصرف‌کنندگان واجد شرایط نیز در طراحی ضوابط لحاظ شود. اصلاح زنجیره آرد و نان زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که هزینه سوءاستفاده از منابع یارانه‌ای افزایش یابد اما دسترسی معمول خانوارها به نان با قیمت حمایتی مختل نشود.

درواقع، مسئله اصلی نه محدود کردن مصرف مردم، بلکه جلوگیری از تبدیل یارانه عمومی به منبع سود فعالیت‌هایی است که خارج از هدف حمایت غذایی قرار دارند. تا زمانی که خرید نان یارانه‌ای برای مصارف تجاری از تأمین نهاده با قیمت واقعی ارزان‌تر تمام شود، انگیزه اقتصادی خروج منابع از شبکه باقی خواهد ماند. کاهش این انگیزه از طریق شفاف‌سازی تراکنش‌ها، اصلاح ضوابط تخصیص و جلوگیری از سوءاستفاده از اختلاف قیمت، می‌تواند منابع بیشتری را در مسیر تأمین نان مردم حفظ کند. درنهایت حمایت واقعی از سفره خانوار زمانی تحقق پیدا می‌کند که یارانه نان به مصرف‌کننده‌ای برسد که برای تأمین غذای روزانه به آن نیاز دارد، نه به فعالیت اقتصادی که از تفاوت قیمت‌ها سود می‌برد.